

نامه

سردبیر محترم مجله گاما

باسلام

منظور من از نوشتن این نامه ارائه پیشنهادی درمورد چگونگی انجام مصاحبه‌های مجله گاما با فیزیک‌پیشگان است. در شماره‌هایی که تاکنون منتشر شده، مجله گاما مصاحبه‌هایی با افرادی از نسل جوان و دانش‌آموخته داخل کشور منتشر کرده است. در این مصاحبه‌ها، خوانندگان ضمن آشنایی با علایق و نحوه تحصیل و پژوهش این دانش‌آموختگان، با نظرات آنها درباره دستاوردهای نسل گذشته در زمینه‌های آموزش، پژوهش و مدیریت، تشکلهای صنفی نظیر انجمن فیزیک، کارکرد موسسات آموزشی و پژوهشی قدیم و جدید در ایران، دوره‌های دکتری پیوسته، پسادکتری و نظایر آن آشنا شده‌اند. طبیعتاً این سوالات و پاسخ‌های آنها بعضاً متضمن انتقادهایی جدی نسبت به دیدگاه‌های کلی و مدیریتی بخشی از فیزیک‌پیشگان نسل قدیم تربوده است.

به نظر من اگر مجله گاما بخواهد نقش ارزنده‌ای در جامعه فیزیک ایفا کند بهتر است که برای دانشجویان و خوانندگان خود این فرصت را فراهم آورد که با نظرات و احیاناً پاسخ‌های این دسته از فیزیک‌پیشگان نیز آشنا شوند. می‌توان با انجام مصاحبه‌هایی با فیزیک‌پیشه‌های قدیمی‌تر، دانش‌آموخته‌های خارج از کشور و کسانی که تجربه دوره‌های پسادکتری و فرصت مطالعاتی در خارج از کشور را داشته‌اند، دایره بحث و گفتگوی فوق را هرچه بیشتر باز نمود و این مصاحبه‌ها را به محملی برای انتقاد متقابل و تبادل نظر سازنده درباره مسائل مبتلابه جامعه فیزیک تبدیل کرد. هم چنین می‌توان میزگردهایی حول موضوعات خاص با حضور افراد گوناگون برگزار کرد.

آشنایی با این نظرات علاوه بر آنکه مجله گاما را از سطح یک تریبون خاص به سطح یک محیط بحث و گفتگوی سازنده و بی‌طرفانه برمی‌کشد، به نسل میانی فیزیک‌پیشگان که شامل نگارنده و همکاران شمانیز می‌شود این امکان بسیار مفید را می‌دهد که خود بصورت مدون و مکتوب مورد انتقاد واقع شوند. آگاهی از نواقص ناگزیری که در اولین تجربه‌های فارغ‌التحصیلان دکتری در داخل کشور در زمینه‌های پژوهش و مدیریت بوجود آمده است نه تنها برای خود ما مفید است بلکه بهره بسیاری به خوانندگان مجله گاما و دانشجویان جدید خواهد رساند و باعث انتقال مفید و سازنده تجربه‌ها از نسلی به نسل دیگر خواهد شد.

این کار نه تنها از جهت قراردادن مخاطبان مجله در معرض آرای گوناگون آموزنده است، بلکه حداقل فایده‌ای که دارد آن است که مصاحبه‌ها را از آفت تکراری شدن که نشانه‌های آن بتدریج

آشکار می‌شود، حفظ می‌کند و در عوض موجب پیدایش سوالاتی چالش برانگیز خواهد شد که چه بسا پاسخ سنجیده به آنها محتاج همفکری هردو نسل خواهد بود، سوالاتی که درازهان بسیاری وجود داشته ولی هیچگاه در معرض بحث جدی قرار نگرفته اند.

ممکن است چنین استدلال شود، کماینکه تاکنون نسبت به پیشنهادهای شفاهی من شده است، که مجله گاما با انجام مصاحبه با یک طیف خاص، اقدام به رساندن صدای گروهی از فیزیک پیشگان می‌کند که تاکنون بدلیل عدم برخورداری از قدرت‌های اجرایی فاقد یک تریبون مشخص برای بیان عقاید خود بوده اند. این چنین چیزی کاملاً حق آن مجله محترم است، اما به نظر من با پذیرش این پیشنهاد مجله نقش فراگیرتر و مثبت تری ایفا خواهد کرد، زیرا شنیدن صدای دیگران نه تنها مانع شنیدن صدای یک طیف خاص نخواهد شد بلکه به خوانندگان و دانشجویان امکان می‌دهد که نگاه ژرف تر و دآوری سنجیده تری نسبت به گذشته و حال جامعه فیزیک پیداکنند و درآینده به عنوان دست اندرکاران و تصمیم گیران همین جامعه خطاهای کمتری مرتکب شوند.

در زیر چند نمونه از سوالاتی را که به نظر من پرسیدن آنها از افراد مناسب، موجب پویاتر شدن مصاحبه‌های آینده مجله خواهد شد پیشنهاد می‌کنم.

(۱) آیا محیط‌های علمی را می‌توان به روش‌های کاملاً دموکراتیک و انتخابی اداره کرد؟ آیا یک محیط علمی را می‌توان درست مثل جامعه کلان که در آن همه افراد حق رای مساوی دارند اداره کرد؟

(۲) آیا واقعاً چنانکه خرمی در مصاحبه اش ادعا کرده است، عمر مفید موسسات علمی نوپا در کشور ما ده سال است و آیا کارنامه چنین موسساتی موید این فرضیه است؟

(۳) آیا تجربه تحصیل در دوره‌های دکتری داخل کشور و نرفتن به دوره‌های پسادکتری و فرصت‌های مطالعاتی در خارج از کشور یک تجربه تحصیلی کامل است؟

(۴) آیا نسل قدیم فیزیک پیشه‌های کشور که در دوره‌های طولانی تری در کشور ما در کار آموزش و پژوهش بوده اند و هنوز هم هستند نظرات انتقادی مشخصی درباره پژوهش و نحوه مدیریت نسل میانی فیزیک پیشگان ندارند؟

(۵) آیا در نظام ارتقای دانشگاهی، پژوهش‌های تجربی و نظری را با یک نوع معیار می‌بایست سنجید؟ آیا پژوهش در مرزهای دانش که منجر به انتشار مقاله در مجلات بین المللی می‌شود با پژوهشی که تنها منجر به توسعه صنعتی کشور می‌شود هم سنگ است؟

(۶) آیا در نظام دانشگاهی برای متخصصان آموزش فیزیک و کسانی که می‌توانند خود را وقف آموزش خلاق، ارتقای آزمایشگاه‌های آموزشی فیزیک و پیاده کردن سبک‌های نو در آموزش کنند ولی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند کار پژوهشی در مرزهای دانش انجام دهند، امکانی برای ارتقا وجود دارد؟

بدیهی است که اگر باب گفت وگویی سازنده باز شود دامنه سوالات فوق که تنها برای نمونه آورده شده اند گسترش خواهد یافت و امیدوارم که آن مجله محترم با پذیرش این پیشنهاد و استمرار در عمل به آن سطح گفتگوی حرفه ای در جامعه فیزیک را ارتقاء داده و نقشی ماندگار برای آینده ایفا کند.

وحید کریمی پور

استاد فیزیک - دانشگاه صنعتی شریف

نامه ی دوست عزیز، وحید کریمی پور، حاوی ی نکته‌ها یی است که تذکرها یی را لازم می آورد.

(۱) هدف ما از ترتیب دادن مصاحبه‌ها دو چیز بوده است. اول این که به مطالب مجله تنوع بدهیم، دوم این که امکان ی بدهیم به برخی از فیزیک‌پیشه‌ها ی ایران که نقطه‌نظرها ی خود را در جا یی ثبت کنند، که این باعث می شود بخش ی از تاریخ نانوشتن ی فیزیک ایران نوشته شود. نه توان آن را داریم، و نه قصد آن را که این امکان را در اختیار همه ی فیزیک‌پیشه‌ها ی ایران بگذاریم؛ در نتیجه انتخاب می کنیم، و بدیهی است که این انتخاب‌ها کاتوره‌ای نیست.

(۲) بیش تر سؤال‌ها یی که می پرسیم تکراری است، اما به نظر نمی رسد که پاسخ‌ها هم تکراری باشند. ضمناً، بسامد پاسخ‌ها ی یک سان خود یک اطلاع بسیار مهم است.

(۳) ایشان سؤال‌ها یی را مطرح کرده اند. جز سؤال ۴، که به نظر می آید خطاب به ما است، بقیه را می توان از دیگران پرسید. از ایشان متشکریم و این پرسش‌ها را در مصاحبه‌ها ی آینده مطرح خواهیم کرد. اما، خود را در مقام ی نمی دانیم که بعض ی از مصاحبه‌شونده‌ها را «مناسب» تشخیص بدهیم و بعض ی را لایذ «نامناسب». سؤال‌ها را از همه خواهیم پرسید. قضاوت در مورد جواب‌ها با خواننده‌ها است.

(۴) از مصاحبه ی زنده و میزگرد اجتناب کرده ایم، زیرا دوست داریم پاسخ‌ها یی بگیریم که پاسخ‌دهنده در مورد آن‌ها به خوبی اندیشیده است.

(۵) باب گفت‌وگو ی سازنده باز است، اما گویا دوستان حوصله یا مجال عبور از این باب را ندارند. در دو سال گذشته گاما فقط دو نامه دریافت کرده که هر دو را هم در نخستین شماره ی پس از رسیدن نامه چاپ کرده (نامه‌ها ی روشنی و کریمی پور).